



هشدار ایران به اسرائیل

نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل تهدیدهای رژیم صهیونیستی برای حمله به لبنان را یک جنگ روانی توصیف کرد. نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، مستقر در نیویورک با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس هشدار داد حمله گسترده رژیم صهیونیستی به لبنان به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل خواهد شد. در این پیام آمده است: اگرچه این تبلیغات رژیم صهیونیستی منی بر قصد حمله به لبنان را جنگ روانی می‌داند اما در صورت دست زدن به یک تهاجم نظامی تمام‌عیار، جنگی ناآلودکننده رخ خواهد داد. تمام گزینه‌ها، از جمله مشارکت کامل همه جبهه‌های مقاومت روی میز است. نماینده‌ی ایران در سازمان ملل پیش از این نیز در پیامی در شبکه مجازی نوشته بود هر تصمیم نابخردانه‌ای توسط رژیم اشغالگر اسرائیل که ناظر به نابودی زیرساخت‌های لبنان و منطقه اشغالی ۱۹۴۸ باشد، منطقه را وارد جنگ جدیدی می‌کند. نماینده‌ی دائم ایران در سازمان ملل در نیویورک اعلام کرده بود که هر تصمیم نابخردانه‌ای توسط رژیم اشغالگر اسرائیل برای نجات خود می‌تواند منطقه را وارد جنگ جدیدی کند که نتیجه آن نابودی زیرساخت‌های لبنان و همچنین منطقه اشغالی ۱۹۴۸ خواهد بود. قطعاً این جنگ یک بازنده نهایی خواهد داشت و رژیم صهیونیستی است.



مسئولیت با اسرائیل است

سرپرست وزارت خارجه مسئولیت بحرانی دیگر در منطقه را مستقیماً متوجه حامیان غربی رژیم صهیونیستی عنوان کرد. «علی باقری» در پیامی در شبکه ایکس نوشت: در ۲۴ ساعت گذشته با وزرای امور خارجه عربستان، آلمان، قبرس، روسیه، دبیرکل ملل متحد و نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی گفت‌وگو کردم. جمهوری اسلامی بر این نظر است که آثار فاجعه‌بار گسترش احتمالی تنش و درگیری در منطقه ناشی از رفتار غیرمسئولانه آمریکا و پشتیبانان غربی صهیونیست‌ها است. امروز آمادگی ملت‌های منطقه و جبهه مقاومت برای مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی بیش از هر زمان دیگری است و مسئولیت بحرانی دیگر مستقیماً متوجه حامیان غربی رژیم است. پیش از این نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، مستقر در نیویورک نیز با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس هشدار داد، حمله گسترده رژیم صهیونیستی به لبنان به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل خواهد شد.



شجاعت ارمنستان

سفیر ایران در ایروان گفت از موضع جمهوری ارمنستان در خصوص به رسمیت شناختن فلسطین استقبال و آن را اقدامی شجاعانه و مثبت می‌دانیم. مهدی سبحانی، سفیر فوق العاده و تام‌الاختیار ایران در ارمنستان در گفت‌وگو با خبرنگار آرم‌پرس در خصوص به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط ارمنستان گفت: ایران قبلاً موضع خود را در این زمینه اعلام کرده و مواضع اصولی تهران در خصوص روند به رسمیت شناختن فلسطین را تأیید کرده است. شما می‌دانید که موضع اصولی ما این است: ما رژیم کودک‌کش صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسیم. ما تا یکبار بر صداقت خود، از موضع و تصمیم جمهوری ارمنستان برای به رسمیت شناختن فلسطین و حمایت از مردم آن استقبال می‌کنیم. این اقدام متهورانه و مثبت ارمنستان نشان می‌دهد که جامعه جهانی واقعاً برای حقوق مردم فلسطین ارزش قائل است و همچنین با نقض حقوق مردان، زنان و کودکان فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی مخالف است.

بنابراین نباید مأموری را که مشغول یک کاری است و مسئول یک فرایندی است مورد تضعیف یا توهین یا بعضی از تعبیراتی که گاهی شنیده می‌شود - که اینها سازش‌کارند و مانند اینها - قرار داد؛ نه، این حرف‌ها نیست.» و همینطور در سال ۱۳۹۴ که مذاکرات به اوج خود رسیده بود و مخالفان ظریف را به باج‌دهی و حرکت در مسیر دشمن متهم می‌کردند تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را «امین، غیور، شجاع و متدین» خطاب کردند و گفتند: «بنده هیئت مذاکره‌کننده را - همین دوستانی که این مدت این زحمات را بر دوش گرفته‌اند - هم امین می‌دانم، هم غیور می‌دانم، هم شجاع می‌دانم، هم متدین می‌دانم؛ این را همه بدانند. اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارید؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات و آنچه در مجالس می‌گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً اذعان می‌کردید. من البته علاوه‌ی بر اینها، بعضی از این دوستان را از نزدیک می‌شناسم، بعضی را از دور با سوابق‌شان می‌شناسم؛ اینها مردمانی هستند متدین و امین؛ اینها امین‌اند؛ قصدشان این است که کار کشور را پیش ببرند، گره را باز کنند و دارند تلاش می‌کنند برای این کار. انصافاً غیرت ملی هم دارند، شجاعت هم دارند، در مقابل یک تعداد کثیری از کسانی قرار می‌گیرند - که حالا نمی‌خواهم تعبیر متناسب و واقعی را بکنم، چون گاهی تعبیرهایی هست که واقعاً شایسته‌ی آن تعبیرند اما خوب، مناسب نیست که ما به زبان بیابوریم - و انصافاً در مقابل آنها با شجاعت کامل، با دقت کامل مواضع خودشان را بیان می‌کنند، دنبال می‌کنند و تعقیب می‌کنند.» و در نامه تبریک برای توافق برجام به رئیس‌جمهور حسن روحانی نیز نوشتند: «خرسندی خود را از اینکه مقاومت ملت بزرگ ایران در برابر تحریم‌های ظالمانه و تلاش دانشمندان هسته‌ای در پیشبرد این صنعت مهم و کوشش خستگی‌ناپذیر مذاکره‌کنندگان، سرانجام طرف‌های مقابل را که برخی از آنان به دشمنی با ملت ایران شهره‌اند، وادار به عقب‌نشینی و رفع بخشی از آن تحریم‌های زورگویانه کرد، ابراز می‌دارم.» و پس از آن نیز در دیدار حضوری کارکنان وزارت امور خارجه با نام بردن از ظریف گفتند: «آقای دکتر ظریف و همکاران‌شان آزمون خوبی از سر گذراندند. احساس قدرت و شجاعت در مقابل ۶ قدرت جهانی، دفاع از اهداف و تثبیت حضور و وجود خود به طرف‌های مقابل، از جمله نقاط قوت مذاکره‌کنندگان کشورمان در مذاکرات هسته‌ای بود. تدین، مهم‌ترین نقطه‌ی قوت آقای ظریف است و بنده مکرر برای شما عزیزان دعا می‌کنم،» حتی پس از نقض برجام توسط طرف‌های اروپایی نیز مقام رهبری دست از حمایت از ظریف برنداشتند و او را «باوجدان و صاحب احساس مسئولیت» دانستند و در سخنرانی خود گفتند: «وزیر محترم خارجه‌ی ما، آقای دکتر ظریف، یک نامه‌ی گویایی به مسئول اروپایی می‌نویسند - البته این بار چندم است - و موارد نقض روح برجام و جسم برجام [را مطرح می‌کنند]. گاهی می‌گفتند روح برجام نقض شده، ایشان می‌گویند فقط روح برجام نیست، [بلکه] یک جاهایی هم خود برجام - یعنی جسم برجام - هم نقض شده به‌وسیله‌ی آمریکایی‌ها؛ ایشان فهرست کردند فرستادن برای آنها، یعنی این [شخص] دیگر کسی نیست که بگویند مخالفین این مذاکرات هستند که این حرف را می‌زنند؛ نه، خود وزیر محترم خارجه، چون انسان متدینی است، انسان باوجدانی است و انسان صاحب احساس مسئولیت است، خود ایشان هم این اعتراض را دارد می‌کنند.»

ظریف در عین حال از سوی غربی‌ها و آمریکایی‌ها نیز ستوده شده است. «کیسینجر»، مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا در کتابی که تقدیم دکتر ظریف می‌کند، می‌نویسد: «تقدیم به دشمن قابل احترام، ظریف» و ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در نشست کابینه خود ناچار شد بگوید: «...جان کری [وزیر خارجه اسبق آمریکا] در برابر مردی که داشت با او مذاکره می‌کرد (اشاره به دکتر ظریف)، هیچ شانس نداشت اولین باری که آن مرد (ظریف) را دیدم، او را در یک برنامه دیدم... من او را نگاه کردم و بعد از ۳ دقیقه تماشا گفتم امکان ندارد کری بتواند از پس مذاکره با این مرد برآید.»

خود جان کری وزیر خارجه اسبق آمریکا در توصیف ظریف می‌گوید: «ظریف مذاکره‌کننده‌ای سرسخت، حرفه‌ای، میهن‌پرست و مورد احترام است که حتی وقتی کار مذاکرات هسته‌ای سخت می‌شد، آخر جلسات را با بلندتر ترک می‌کردیم.» «گرهارد شرودر» صدراعظم اسبق آلمان نیز درباره او گفته است: «آقای ظریف دیپلمات بسیار باتجربه‌ای است که فقط درباره سیاست ایران آگاه است، بلکه بر مسائل بین‌المللی هم اشراف دارد و این تجربه مزیت بزرگی بود که در مذاکرات هسته‌ای به کار ما آمد.»

اکنون ظریف پس از گذشت چهار دهه تأثیرگذاری در دیپلماسی جمهوری اسلامی برای نخستین بار وارد عرصه سیاست داخلی شده تا در درون به سیاست خارجی ایران شکل بدهد و مانع قدرت‌گیری مخالفانش شود و بتواند مسعود پزشکیان را به قدرت برساند که متعهد شده نگاه ظریف را در سیاست خارجی ادامه دهد.

شما می‌دانید اینجا کجاست؟ اینجا سازمان ملل است و یکسری کارهایی داریم. فردا و پس فردا آن روز که ایشان آنجا بودند اصرار کردند که این اتفاق بیفتد و من گفتم ۳-۴ نفر از سفرا مانند ۳-۴ نفر از وزرا یک سنتی داخل کشور است که یک چکی با مقام معظم رهبری شوند از جمله سفیر ما در سوریه، نیویورک و فلان! مثل برخی وزرا که با رهبری چک می‌شود. باز مُصر شدند که این امر اتفاق بیفتد. من گفتم شما این میزان اصرار دارید چه کسی را جای ایشان بیابورم؟ ایشان براساس یک مشاوره‌ای که به او داده شد، کارشناسی را در همان نمایندگی نیویورک به من معرفی کرد که ایشان اولین مأموریت خارج از کشور را داشت، به‌عنوان کارشناس به آنجا آمده بود... در هر حال، من با این لفظ که به ایران برگردیم و بررسی کنیم آمدم و دفتر مطرح کردم که اینجوری است. طبیعی بود که آن مورد مدنظر ایشان مورد شایسته‌ای نبود ولی من آرام‌آرام به فکر افتادم که کسی را در نظر بگیریم و کار آسانی نبود ولی ایشان تا یک‌سال‌ونیم در آنجا ماند. بسیار جالب است که در همان سفر ملاقاتی که با کوفی عنان (دبیرکل اسبق سازمان ملل) داشتم، وقتی ملاقات تمام شد و من بیرون آمدم گفت من شنیدم آقای ظریف را می‌خواهید بردارید. آقای ظریف یک سال و خرده‌ای بود که آنجا بود و تقریباً غیرمعمول بود که عوض شود. آقای کوفی عنان گفت اگر کاری با آقای ظریف ندارید ما اینجا با او کار داریم. من مصمم شدم - ممکن است آقای کوفی عنان هیچ انگیزه‌ای هم نداشت و صرفاً از دیپلمات حرفه‌ای بودن آقای ظریف بیان کرده بود - ولی من گفتم کارش داریم!»

در نهایت در سال ۱۳۸۶ ظریف از مسئولیت خود در سازمان ملل عزل شد و به تهران بازگشت. ظریف به درستی این دوره را یکی از تلخ‌ترین دوران مأموریت خود می‌داند که هیچ موضوعی به نمایندگی ایران در سازمان ملل سپرده نمی‌شد و از روند مذاکرات هسته‌ای نیز هیچ اطلاعی به این نمایندگی داده نمی‌شد در حالی که پرونده ایران در شورای امنیت مطرح شده بود و نمایندگی ایران عملاً به دلیل عدم اطلاع از روند مذاکرات و نداشتن دستورالعمل نمی‌توانست هیچ اقدامی در این زمینه انجام بدهد.

وزیر امور خارجه دولت روحانی

اما با روی کارآمدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ محمدجواد ظریف به وزارت امور خارجه برگزیده شد و پرونده هسته‌ای ایران برای نخستین بار از مطرح شدن این موضوع از شورای عالی امنیت ملی گرفته شده و به وزارت امور خارجه مأموریت داده شد آن را پیگیری کند. درحالی‌که از شروع پرونده هسته‌ای ایران حسن روحانی، علی لاریجانی و سعید جلیلی به‌عنوان دبیران شورای عالی امنیت ملی مذاکرات با طرف‌های غربی و سپس پنج بعلاوه یک را برعهده داشتند، اکنون برای نخستین بار این پرونده در جای درست خود قرار گرفته بود. در طی سال‌های پیشین نیز وزیران امور خارجه کشورهای اروپایی و چین و روسیه و آمریکا در این مذاکرات شرکت می‌کردند و محمدجواد ظریف در جایگاه مقام هم‌ردیف توانست مذاکرات را در وین و لوزان بنویسد به نتیجه برساند و توافق موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک نتیجه این مذاکرات بود. برجام توانست با وجود قطعنامه‌های سازمان ملل ایران را ملزم کند روند غنی‌سازی اورانیوم را به‌طور کامل متوقف کند، این حق را برای ایران حفظ کند و به آن مشروعیت بین‌المللی ببخشد و سازمان ملل و کشورهای غربی را به لغو کامل تحریم‌های هسته‌ای موظف کند و سه سال طلایی در اقتصاد تحریم‌زده ایران رقم بزند. طی این سه سال روند رشد ایران افزایش یافت و برخی از شرکت‌های کوچک غربی برای سرمایه‌گذاری وارد ایران شدند اما با روی کارآمدن ترامپ برجام ناکام ماند و با خروج آمریکا از این قرارداد ایران نتوانست از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند شود؛ هر چند مزایای حقوقی و سیاسی برجام که حق هسته‌ای ایران را به رسمیت شناخته و تحریم‌های سازمان ملل را لغو کرده بود برای ایران باقی ماند. با وجود خروج ترامپ از برجام محمدجواد ظریف به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های سیاسی در ایران بدل شد و هم‌اکنون در کمپین انتخاباتی مسعود پزشکیان نقش جدی ایفا می‌کند.

محمدجواد ظریف که از سوی مخالفان برجام به خیانت متهم می‌شود حمایت‌های بی‌سابقه‌ای از سوی رهبری دریافت کرده و با عنوان «دوست عزیز ما» ستایش شده است. رهبری در آبان ۱۳۹۲ و شروع مذاکرات هسته‌ای درباره تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای گفتند: «هیچ‌کس نباید این مجموعه‌ی مذاکره‌کنندگان ما را با مجموعه‌ی پنج شامل آمریکا - همان شش دولت، به‌اصطلاح پنج بعلاوه‌ی یک - سازش‌کار بداند؛ این غلط است؛ اینها مسؤوران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، اینها بچه‌های خودمان هستند، بچه‌های انقلابند؛ یک مأموریتی را دارند انجام می‌دهند. کار سختی هم هست [که] بر عهده‌ی آنهاست؛ دارند با تلاش فراوان آن کاری را که بر عهده‌ی آنهاست انجام می‌دهند.

افراد حاضر نبودند در یکی از سال‌ها یا راه‌روها به همراه ما چای بنوشند. ما در طول مذاکرات جنگ، تنها با چند نفر می‌توانستیم صحبت کنیم. دیگران یا علاقه‌ای نداشتند یا می‌ترسیدند با ما صحبت کنند. گروهی از آنها دیپلمات‌های کشورهای عربی و گروهی دیگر دیپلمات‌های کشورهای غربی بودند. خاطرم هست زمانی که راجع به قطعنامه‌ها مذاکره می‌شد، می‌خواستیم در مورد بحث بمب‌های شیمیایی با رئیس شورای امنیت ملاقات کنیم. ایشان سفیر فرانسه بودند و به بنده گفتند که اجازه ندارم با شما صحبت کنم. به‌همین سادگی. البته او سفیر کردان و دیپلمات خوبی نبود، وگرنه این‌گونه عمل نمی‌کرد. در واقع می‌خواهم بگویم که انزوای ما تا این حد شدید بود. البته در مذاکرات مربوط به قطعنامه ۵۹۸، جو شورا کمی عوض شده بود، اما هنوز در طول این مذاکرات، مخصوصاً بعد از تصویب قطعنامه تا پذیرش آن توسط ایران، واقعاً تعداد بسیار محدودی با ما صحبت می‌کردند.»

ظریف در این کتاب درباره چگونگی شروع بحث قطعنامه ۵۹۸ گفته: «فکر می‌کنم آنچه باعث شروع بحث قطعنامه ۵۹۸ شد، فتح فاو و نگرانی از سقوط عراق بود. ما فاو و مجنون را از دست دادیم و عراقی‌ها وارد خاک ایران شدند. قطعنامه ۵۹۸ در یکی از بندهایش دستور به آتش‌بس فوری و عقب‌نشینی بدون تأخیر می‌دهد. زمانی که آتش‌بس را پذیرفتیم، عقب‌نشینی از خواست عراق به خواست ایران تبدیل شده بود. در زمان پذیرش ۵۹۸، عراق می‌خواست مذاکره کند، اما ما خواستار آتش‌بس فوری بودیم. دیدگاه ما از نظر عملیاتی، در زمان مذاکرات قبل از تصویب ۵۹۸، مبتنی بر ادامه جنگ بود. از نظر سیاسی نیز یک دیدگاه این بود که باید با شورای امنیت برخورد کرد و همان روش را ادامه داد. دیدگاه دیگر نیز بر تطبیف کردن فضا تأکید داشت؛ چراکه احساس می‌شد شورای امنیت به سمت تحریم ایران پیش می‌رود. به همین خاطر گروهی در بخش بین‌الملل وزارت خارجه ایران، معتقد به نوعی از بازیگری بین‌المللی بودند که در آن نقش فعال‌تری ایفا کنیم؛ یعنی خواستار این بودند که ما از حالت قهر با شورای امنیت خارج شویم. گروهی نیز در وزارت خارجه و بیرون از آن، این روند را قبول نداشتند. بالاخره تصمیم وزارت خارجه با همراهی حضرت امام این بود که ما استراتژی خاصی را در پیش بگیریم و آن را ادامه دهیم تا از تحریم ایران جلوگیری کنیم.»

محمدجواد ظریف، روند کار را نیز این‌گونه تعریف می‌کند: «... پس از مدتی آقای دکتر جواد لاریجانی مسئولیت مذاکرات را برعهده گرفتند. روش ایشان در مذاکرات، روشی تأخیری بود. در این راستا از انواع ابزارها استفاده کردیم، از جمله اینکه دبیرکل را تشویق کردیم یک طرح اجرایی برای قطعنامه ۵۹۸ بنویسد؛ با این توجیه که این قطعنامه مهم و نامفهوم است. قطعنامه در جولای ۱۹۸۷ یعنی ۱۳۶۶ به تصویب رسید و طرح اجرایی دبیرکل در اکتبر ۱۹۸۷ یا آبان ۱۳۶۶ - یعنی شش ماه بعد - آماده شد. ما طرح اجرایی را پذیرفتیم و خواستار شروع آن شدیم؛ چراکه به دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران نزدیک بود؛ درحالی‌که عراق می‌گفت تا زمانی که ایران قطعنامه ۵۹۸ را نپذیرد، برای ما قابل قبول نیست.»

در همان زمان که او در رده بعد از سفرا، مذاکره را انجام می‌داد، با هماهنگی بیانی‌های او می‌نویسد که تلویحاً عنوان می‌کند ایران قطعنامه را پذیرفته است. ظریف در این‌باره در کتاب «آقای سفیر» گفته: «تا ساعت‌ها بعد از نیمه‌شب فکر می‌کردم و به دیکشنری مراجعه می‌کردم تا لغتی را بیابم که هم‌معنی پذیرش باشد، اما معنی حقوقی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را نیز نداشته باشد. در نهایت لغت «Tantamount» به ذهن من رسید. این نام در بخش بین‌الملل وزارت خارجه با نام «Tantamount Letter» شناخته شده است.»

سرانجام قطعنامه به سرانجام رسید و ظریف به‌عنوان مشاور وزیر در امور مربوط به قطعنامه ۵۹۸ به تهران بازگشت تا در مذاکرات ایران و عراق شرکت کند.

حضور در سازمان ملل

محمد جواد ظریف در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ سفیر و معاون نماینده دائم نمایندگی در سازمان ملل شد و با پایان مأموریتش در سازمان ملل، ۱۰ سال معاونت حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه را برعهده داشت. از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ برای بار دوم به‌عنوان سفیر ایران مسئولیت نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل را پذیرفت و به نیویورک اعزام شد. در سال ۱۳۸۴ محمود احمدی‌نژاد سر کار آمد و مهر همان سال عازم نیویورک شد. منوچهر متکی، وزیر امور خارجه وقت از این سفر نقل می‌کند: «اولین سفر ما به نیویورک تقریباً به فاصله کمتر از یک ماه از رای اعتماد بود که ایشان باب کرد که در هر سفر به سازمان ملل شرکت می‌کرد و در سال‌های آخر نگاه من این بود که ایشان سفر به نیویورک هر سال نداشته باشند... اولین سفری که ما رفتیم از هوایم که پیاده شدیم و در مسیر ایشان به من گفتند این آقای سفیر را عوض کنید... من قدری حرف راننشیده گرفتم ولی بعد شب دوباره تکرار کردند. گفتم